

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Instagram and the Lost Identity: A Study of Residential Facades in Tehran
(Case Study: Heravi, Aghdasieh, and Western Farjam Neighborhoods)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

اینستاگرام و هویت از دست رفته: مطالعه‌ای بر نمای بناهای مسکونی تهران
(مطالعه موردی: محلات هروی، اقدسیه و فرجام غربی)*

مہدی علی رضایی^۱، امیر مسعود دیاغ^{۲*}، بہروز منصوری^۳

۱. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۲. گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
۳. گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه سوره، تهران، ایران.

تا، بخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱

تا، بخ مذ ش : ۱۴۰۴/۰۳/۰۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۵

چکیدہ

بیان مسئله: نماهای ساختمان‌های مسکونی در تهران به‌عنوان یکی از شاخص‌ترین عناصر هویت شهری، در سال‌های اخیر تحت تأثیر دو نیروی متضاد جهانی شدن و نفوذ گسترده پلتفرم‌های دیجیتال مانند اینستاگرام قرار گرفته‌اند. این دو نیرو، در کنار هم، دگرگونی‌های عمیق را در چهره شهر ایجاد کرده‌اند.

هدف پژوهش: بررسی نقش اینستاگرام در ترویج میراث معماری ایرانی و افزایش آگاهی عمومی در خصوص طراحی های نمای بناهای مسکونی در کلانشهر تهران با تأکید بر کاهش پراکندگی بصری و جلوگیری از فرسایش فرهنگی، انجام شده است.

روش پژوهش: به منظور دستیابی به این هدف، از رویکردی کیفی استفاده شده است. در مطالعه فرعی نخست شش نمای مسکونی در محلات هروی، اقدسیه و فرجام غربی کلانشهر تهران از طریق مشاهدات تصویربرداری و مصاحبه های تخصصی با پنج کارشناس بررسی نقادانه شدند. سپس با انجام یک مرور سیستماتیک روی ۱۲ مقاله علمی معتبر، ضمن بررسی مطالعات بین المللی در زمینه تأثیر رسانه های اجتماعی بر معماری، به تحلیل چالش های حفظ هویت فرهنگی و استراتژی های ترویج میراث معماری در مقیاس کلان پرداخته شد. در ادامه، به منظور بومی سازی یافته های پژوهش، مصاحبه های نیمه ساختار یافته ای با هشت نفر از خبرگان حوزه های معماری، علوم رسانه و جامعه شناسی انجام شد.

نتیجه‌گیری: یافته‌های زیرمطالعه نخست نشان داد که نمای بناهای مسکونی در محلات مورد مطالعه تنوع بسیار زیادی از نظر سبک و رویکرد طراحی دارند. این پراکندگی شدید، نشان‌دهنده وجود اولویت‌های زیبایی‌شناختی متضادی است که از یک سو، طراحی‌های بصری خیره‌کننده و تحت‌تأثیر الگوهای دیجیتال را به نمایش می‌گذارند و از سوی دیگر، به زیبایی‌شناسی جهانی‌شده‌ای گرایش دارند که اغلب فاقد ریشه در فرهنگ و تاریخ محلی است. نادیده گرفتن اصول طراحی سازگار با اقلیم، این تضاد را تشدید و شکاف عمیقی میان طراحی معاصر نماها و میراث غنی معماری تهران ایجاد کرده است. همچنین، نتایج زیرمطالعه دوم نشان داد که اینستاگرام، به عنوان یک پلتفرم اجتماعی پرطرفدار در ایران، تأثیر قابل توجهی بر شکل‌گیری نماهای معماری در تهران دارد. از یک سو، الگوهای این پلتفرم اغلب به همگن‌سازی بصری و رواج سبک‌های طراحی یکنواخت کمک می‌کنند. از سوی دیگر، اینستاگرام پتانسیل بالایی برای ترویج شیوه‌های معماری پایدار و همسو با فرهنگ و محیط زیست دارد.

واژگان کلیدی: اینستاگرام، معماری ایرانی، ترویج میراث فرهنگی، استراتژی رسانه‌های اجتماعی، چالش‌های الگوریتمی، نماهای مسکونی کلانشهر تهران.

مقدمه و بیان مسئله

در دهه‌های اخیر، جهانی‌شدن و پیشرفت فناوری‌های دیجیتال تأثیری چشمگیر بر معماری و نحوهٔ درک

*این مقاله برگرفته از رساله دکتری «مهدی علیرضایی» با عنوان «تبیینی بر نقش رسانه و تأثیرات آن بر ترجیحات زیبایی شناسی مخاطبان عام (مصالح عمومی بناهای مسکونی محله هروی شهر تهران)» با راهنمایی دکتر «هریس مسعود دیباغ» و مشاوره دکتر «پرویز منصوری» در دانشکده معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران جنوب در حال انجام است.

** نویسنده مسئول : ۰۸/۴۶۳۷۰۹۱۲ - دبایگاه
dabagh@soore.ac.ir

و بازنمایی آن داشته‌اند. این تحولات، شیوه طراحی، معرفی و مصرف فضاهای ساخته‌شده را دگرگون کرده‌اند (Castells, 2010; Sklair, 2017). در این میان، پلتفرم‌های تصویری مانند اینستاگرام به ابزاری پرنفوذ در بازنمایی معماری تبدیل شده‌اند (Manovich, 2017). این رسانه‌ها، اعم از پلتفرم‌های تصویری مانند اینستاگرام، محلات

دوره‌های قاجار و پهلوی در کنار سبک‌های مدرن، پست‌مدرن و معاصر، کلانشهر تهران را به یکی از جذاب‌ترین و پیچیده‌ترین آزمایشگاه‌های معماری تبدیل کرده‌اند (Khatami Boujari, 2022). باین حال، در سال‌های اخیر، نمای بناهای مسکونی تهران که زمانی با الهام از تکنیک‌های بومی مانند آجرکاری، کاشی‌کاری و اصول طراحی هماهنگ با اقلیم شکل می‌گرفتند، جای خود را به طراحی‌هایی داده‌اند که تحت تأثیر روندهای جهانی‌شده و فشارهای تجاری قرار دارند. اینستاگرام، به عنوان یک رسانه بصری اجتماعی پرمخاطب در ایران، نقشی اساسی در این تغییر ایفا کرده است. این پلتفرم، با ترجیح طراحی‌های سطحی و جذاب از نظر الگوریتمی، باعث گسترش سبک‌هایی شده است که بیشتر به دنبال جلب نظر مخاطب هستند تا بیان عمق فرهنگی. این روند، نه تنها انسجام بصری شهر را تضعیف کرده، بلکه باعث گسست هویتی میان معماری ایرانی و حس تعلق شهروندان به فضاهای شهری شده است (Dayaratne, 2017; UNESCO, 2021).

با وجود اهمیت کلانشهر تهران به عنوان یکی از نقاط تلاقی میراث معماری و فرهنگ دیجیتال، پژوهش‌های محدودی در ایران، به نقش خاص اینستاگرام در شکل‌گیری سلیقه‌ها و ترجیحات معماری پرداخته‌اند. اکثر پژوهش‌های موجود به تأثیرات کلی رسانه‌های اجتماعی بر رفتار مصرف‌کننده و فرهنگ‌پذیری عمومی تمرکز داشته‌اند (Zuboff, 2019; Vastardis & Yang, 2022). در نتیجه، پرسش‌های مهمی در مورد تأثیر الگوریتم‌ها بر حاشیه‌رفتن معماری ایرانی و پیامدهای آن بر فضای شهری همچنان بی‌پاسخ مانده‌اند. این کمبود، به ویژه در رابطه با نماهای مسکونی، که بازتاب‌دهنده و شکل‌دهنده هویت اجتماعی و فرهنگی هستند، محسوس است. این پژوهش با هدف پرکردن این شکاف و پاسخ به این پرسش اساسی انجام می‌شود: چگونه می‌توان از اینستاگرام به صورت هدفمند برای احیای هویت معماری ایرانی در تبلیغ و ترویج طراحی نماهای مسکونی در تهران استفاده کرد، به گونه‌ای که ضمن جلوگیری از همسان‌سازی بصری، پیوندهای فرهنگی نیز تقویت شوند؟

پیشینه پژوهش

مقاله «جلوه‌گری بصری، پایداری کارکرد: پژوهشی تجربی در باب عملکرد معماری‌های شاخص در اینستاگرام» نوشته آلایلی-ماتار و همکاران (Alaily-Mattar et al., 2024) به بررسی روند تعامل کاربران اینستاگرام با معماری‌های شاخص پرداخته است. محققان در این مطالعه با تحلیل بیش از ۲۶۴,۰۰۰ پست و ۱۴۰,۰۰۰ تصویر از سال ۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹، به دو الگوی اصلی دست یافته‌اند: بناهایی که به دلیل طراحی‌های چشمگیر معماری‌شان محبوب می‌شوند، در ابتدا موجی از توجه آنلاین را تجربه می‌کنند، اما این توجه به

معماری، وب‌سایت‌ها و سایر رسانه‌های دیجیتال، تنها نقش نمایش‌دهنده و اطلاع‌رسان ندارند، بلکه به طور فعال در شکل‌دهی سلیقه‌های عمومی و حرفه‌ای و حتی در تعیین مسیر معماری دخالت می‌کنند. آنها با تأکید بر جذابیت بصری، نوآوری‌های لحظه‌ای و محبوبیت الگوریتمی، به عامل مهمی در بازتعریف ارزش‌های معماری تبدیل شده‌اند (Gillespie, 2018; Vastardis & Yang, 2022). رسانه‌های اجتماعی، اگرچه به دموکراتیک‌تر شدن گفتمان معماری کمک کرده‌اند و امکان مشارکت طیف گسترده‌تری از افراد را فراهم ساخته‌اند، اما این دموکراسی با نوعی «دروازه‌بانی الگوریتمی» همراه است. الگوریتم‌های این پلتفرم‌ها، طراحی‌هایی را که از نظر بصری خیره‌کننده هستند و به سرعت مخاطب جذب می‌کنند، در اولویت قرار می‌دهند (Zuboff, 2019). در نتیجه، تأثیر رسانه‌ها و الگوریتم‌ها، طراحی‌های بومی و میراثی که ریشه در فرهنگ‌های محلی دارند، به حاشیه رانده می‌شوند و جای خود را به سبک‌های جهانی‌شده و اغلب بی‌هویت می‌دهند (Frampton, 1983; UNESCO, 2011). این روند در بسیاری از نقاط جهان، تنوع فرهنگی معماری را تهدید کرده و معماری را به سمت همسان‌سازی سوق داده است. این امر پرسش‌های مهمی را درباره چگونگی حفظ هویت‌های فرهنگی در فضاهای شهری مطرح می‌کند (ICOMOS, 2022; Dayaratne, 2017). نظریه‌های معماری مانند منطقه‌گرایی انتقادی (Frampton, 1983) و رویکردهای روان‌شناسی محیطی (Rapoport, 1969; Madanipour, 2017) به این نکته تأکید دارند که بناها چیزی فراتر از سازه‌های فیزیکی هستند. آنها بستری برای حفظ حافظه فرهنگی و بازتاب‌دهنده هویت جمعی یک جامعه‌اند. باین حال، گسترش بی‌حدومرز زیبایی‌شناسی‌های لحظه‌ای و زودگذر در فضای دیجیتال، این زبان‌های معماری عمیق و معنادار را تهدید کرده است. به عبارتی، به جای طراحی‌هایی که با بستر فرهنگی و محیطی سازگار باشند، در حال حاضر، طرح‌های ترویجی متعددی مشاهده می‌شوند که با وجود جذابیت بصری قابل توجه، از معنای محلی و اصالت فرهنگی بی‌بهره‌اند. این طرح‌ها، اگرچه در نگاه اول مخاطب را جذب می‌کنند، اما به دلیل عدم ریشه‌دار بودن در بسترهای فرهنگی بومی، نمی‌توانند ارتباط عمیق و پایداری با جامعه برقرار کنند (Amiri, 2017). این تناقض باعث شده است رسانه‌های اجتماعی، از یک سو بستری برای نمایش تنوع فرهنگی باشند و از سوی دیگر به ابزاری برای کالایی‌سازی و کاهش عمق هویتی معماری تبدیل شوند.

در میان شهرهای ایران، کلانشهر تهران نمونه‌ای بارز از تأثیرات جهانی‌شدن بر معماری و فرهنگ است (Madanipour, 2017) که با توسعه شتابان شهری در نیم قرن اخیر، تنوع معماری گسترده‌ای را به نمایش گذاشته است. سبک‌های سنتی

تقویت ذهن‌آگاهی را بررسی کردند. تامپانیشتوات و همکاران (ibid.) با تحلیل ۳۵۴ تصویر نشان دادند که معماری سنتی ژاپنی (۴۶/۸۹ درصد) بیشترین ارتباط را با ذهن‌آگاهی دارد و پس از آن طراحی زیست‌دوست (۳۳/۰۵ درصد) و فضاهای تأملی بودایی (۲۰/۰۶ درصد) قرار دارند. پژوهشگران در این مقاله دریافتند که ویژگی‌های کلیدی معماری که ذهن‌آگاهی را تقویت می‌کنند، شامل فضاهای آرام، مواد طبیعی، رنگ‌های ملایم و مناظری از درختان و طبیعت است.

«تأثیر الهام‌گیری مشتری از بازاریابی شبکه‌های اجتماعی بر قصد خرید خدمات معماری» عنوان مقاله‌ای است که توسط ویسن و آناتان (Wissen & Anatan, 2023) به انجام رسیده است، پژوهشگران در این مطالعه با اتکاء بر چارچوب نظری محرک-سازمان-پاسخ (S-O-R)، نقش الهام‌گیری مشتری را به‌عنوان متغیر میانجی در شکل‌گیری قصد خرید را بررسی کردند. این پژوهش با تحلیل داده‌های ۳۹۵ کاربر اینستاگرام در شهر باندونگ و با تمرکز بر سه متغیر محتوای سودمند، محتوای لذت‌بخش و ویژگی شخصیتی گشودگی انجام شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این سه عامل به‌طور معناداری الهام‌گیری را تقویت می‌کنند و الهام‌گیری نیز تأثیری مستقیم و مثبت بر قصد خرید خدمات معماری دارد. نتایج حاکی از آن است که محتوای سودمند، به‌ویژه اطلاعات نوآورانه و کاربردی، مؤثرترین عامل در تحریک الهام مشتری است، درحالی‌که محتوای لذت‌بخش و گشودگی فردی نیز نقش مکمل دارند. الهام‌گیری مشتری، با ایجاد انگیزش درونی، می‌تواند پیوندی مؤثر میان محرک‌های بازاریابی و رفتار خرید ایجاد کند. این مطالعه با تمرکز بر صنعت معماری، بر ضرورت طراحی محتوای الهام‌بخش و هدفمند در شبکه‌های اجتماعی برای تقویت تعاملات معنادار و افزایش اثربخشی بازاریابی دیجیتال تأکید می‌ورزد.

مقاله «طراحی عالی نوین: گفت‌وگو پیرامون معماری رسانه‌ای در رسانه‌های اجتماعی» به قلم ساویچ (Savic, 2019)، به بررسی چگونگی تعامل جامعه معماری، طراحی و سیاست‌گذاری با مفهوم معماری رسانه‌ای در بستر شبکه اجتماعی توئیتر می‌پردازد. پژوهشگر در این مطالعه، با گردآوری بیش از ۴۵۰ هزار توئیت از ۲۵۰ حساب کاربری مرتبط با هشتگ‌هایی نظیر #mediaarchitecture و #MAB، درصدد شناسایی الگوهای مفهومی، واژگان کلیدی و موضوعات نوظهور در گفتمان معماری رسانه‌ای برآمده است. تحلیل متون با بهره‌گیری از فنون یادگیری ماشین از قبیل SOM، Word2Vec و LDA انجام شده که به شناسایی ده موضوع محوری شامل شهرهای آینده، طراحی انسان‌محور، زیرساخت‌های دیجیتال، یادگیری ماشینی و مکان‌سازی منجر شده است. در این پژوهش، ساویچ (ibid.) با نگرشی انتقادی به یکسان‌سازی گفتمان معماری رسانه‌ای در فضای مجازی

سرعت کاهش می‌یابد. در مقابل، سازه‌هایی که بر جنبه‌های فرهنگی یا عملکردی تمرکز دارند، به‌طور پایدار و در بلندمدت توجه مخاطبان را حفظ می‌کنند. تحلیل متون و تصاویر نشان داد که پست‌هایی که بر جلوه‌های بصری معماری تأکید دارند، پس از یک اوج اولیه، افت می‌کنند؛ اما محتواهایی که بر ارزش‌های فرهنگی تمرکز دارند، تعاملات کاربران را پایدار می‌سازند.

«فضاهای مجسم در عصر دیجیتال: بررسی نقش اینستاگرام در شکل‌دهی به ابعاد زمانی و ادراک معماری» عنوان پژوهشی است که توسط واگیری (Wagiri et al., 2024) به انجام رسیده است. نگارندگان در این مقاله به بررسی تأثیر اینستاگرام بر ادراک معماری از طریق ویژگی‌های بصری آن پرداختند و با بهره‌گیری از رویکرد پدیدارشناسانه، اینستاگرام را به‌عنوان واسطه‌ای میان تجربه‌های فضایی و زمانی معرفی کردند که تعاملات فیزیکی با معماری را به روایت‌های بصری پویا تبدیل می‌کند. یافته‌های پژوهشگران در این مطالعه نشان داد که اینستاگرام نقش مهمی در تغییر طراحی معماری ایفا کرده است و بر زیبایی‌شناسی «اینستاگرام‌پسند» تأکید دارد؛ اما در عین حال نگرانی‌هایی درباره تجاری‌سازی و تحریف ابعاد عملکردی و تاریخی مطرح می‌شود. واگیری و همکاران (ibid.) در این مقاله با تحلیل یافته‌های تحقیق استنتاج کردند که رسانه‌های دیجیتال دسترسی جهانی به معماری را تسهیل می‌کنند، اما در عین حال، تجربه چندحسی معماری را به تصاویری بصری و گزینشی تقلیل می‌دهند.

وینسنت لوپز - چائو و وینسنت لوپز - پنا (López-Chao & Lopez-Pena, 2020) در مطالعه‌ای تحت عنوان «جذابیت زیبایی‌شناختی و انتشار عکس‌های میراث معماری در اینستاگرام به بررسی نقش اینستاگرام در شکل‌دهی به ادراک و انتشار میراث معماری» پرداختند. این پژوهش با تحلیل ۱۸۰ تصویر با هشتگ #patrimonioarquitectonico عوامل کلیدی مؤثر بر تعامل کاربران، از جمله حضور انسان، ترکیب‌بندی و طرح‌های رنگی را بررسی کرده است. یافته‌های مقاله حاکی از آن است که تصاویری با رنگ‌های سرد، پرسپکتیو تک‌نقطه‌ای و کیفیت زیبایی‌شناختی متوسط، بیشترین میزان لایک و تعامل را به خود اختصاص داده‌اند. شایان توجه است که نماهای ساختمانی بیشترین محتوای به اشتراک گذاشته‌شده را تشکیل می‌دهند که نشان‌دهنده تمرکز محدود بر برخی عناصر خاص معماری است.

تحقیقی با عنوان «تحلیل محتوای تأثیر جو معماری بر ذهن‌آگاهی از منظر اینستاگرام» به‌وسیله تامپانیشتوات و همکاران (Thampanichwat et al., 2023) به انجام رسیده است که پژوهشگران در این مطالعه، تأثیر جوهای معماری ثبت‌شده در تصاویر اینستاگرام با هشتگ #mindfulness بر

معماری سنتی ایران با ویژگی‌هایی چون الگوهای هندسی پیچیده، به‌کارگیری مصالح بومی و طراحی‌های متناسب با اقلیم و فرهنگ منطقه، هویتی منحصر به فرد یافته است (مجبایی، ۱۳۸۶، ۶۴). نادیده گرفتن این ویژگی‌ها به نفع سبک‌های بین‌المللی، به تدریج منجر به تضعیف میراث معماری غنی کشور شده است. افزون بر این، عدم هماهنگی بصری ناشی از تلفیق سبک‌های ناسازگار، محیط‌های شهری فاقد انسجام و هویت را پدید آورده است (عامری صفات، ۱۳۹۵).

کمبود محتوای آموزشی در پلتفرم‌هایی نظیر اینستاگرام، روند فرسایش هویت معماری ایرانی را تشدید کرده است. عموم مخاطبان ایرانی، به‌ویژه غیرمتخصصان حوزه معماری، ممکن است درک عمیقی از نسبت به میراث معماری غنی کشور و اهمیت حفظ آن نداشته باشند. در غیاب محتوای آموزشی مناسب، ترجیحات بصری مخاطبان عمدتاً تحت تأثیر پست‌های جذاب و اغلب مغایر با اصول طراحی سنتی ایرانی شکل می‌گیرد (Alaily-Mattar et al., 2024). این شکاف، ضرورت انجام اقدامات استراتژیک جهت ارتقای آگاهی و قدردانی از شیوه‌های معماری بومی را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

• معماری ایرانی در قاب اینستاگرام

پتانسیل اینستاگرام جهت مقابله با چالش فرسایش هویت معماری ایرانی، امری انکارناپذیر است. تولید محتوای بصری جذاب و آموزشی، ابزاری قدرتمند در دست معماران و تبلیغ‌گران است تا ترجیحات عمومی را به سمت طرح‌هایی سوق دهند که از میراث معماری ایرانی الهام می‌گیرند (Izadpanah & Gunce, 2021). به‌عنوان مثال، اشتراک‌گذاری تصاویر باکیفیت از بناهایی که با موفقیت عناصر سنتی را با کاربری‌های مدرن تلفیق کرده‌اند، می‌تواند اهمیت و زیبایی طراحی‌های بومی را در بافت معاصر به نمایش بگذارد. همراهی این تصاویر با روایت‌های مستند که به تشریح ارزش‌های فرهنگی و پیشینه تاریخی می‌پردازند، می‌تواند درک و قدردانی مخاطبان را از این میراث غنی، عمیق‌تر سازد (Iglesias-Sánchez et al., 2020). تعامل با مخاطبان از طریق ابزارهای تعاملی موجود در بستر اینستاگرام، می‌تواند در تقویت تأثیرگذاری چنین محتوایی نقش به‌سزایی ایفا کند (Dwijendra & Yogantari, 2018). ابزارهایی همچون نظرسنجی‌ها، جلسات پرسش و پاسخ و استوری‌ها، با برانگیختن کنجکاوی مخاطبان و ترغیب آن‌ها به مشارکت فعال، در شکل‌دهی ترجیحات و دیدگاه‌های آنان مؤثر واقع می‌شوند. ایجاد گفت‌وگوی مستمر میان معماران، تولیدکنندگان محتوا و مخاطبان، امکان پاسخگویی به ابهامات، رفع سوء تفاهم‌ها و شکل‌گیری جامعه‌ای آگاه و حامی از ارزش‌های معماری اصیل را فراهم می‌آورد (Chan et al., 2020). همکاری با افراد مؤثر، نهادهای فرهنگی و سازمان‌های

می‌پردازد و نسبت به بازتولید مکرر اصطلاحات و عبارات تکراری هشدار می‌دهد که می‌تواند به شکل‌گیری گفتمانی محصور و کم‌تنوع منجر شود. نویسنده با تأکید بر نقش الگوریتم‌ها و ساختارهای رسانه‌ای در هدایت توجه کاربران، پیشنهاد می‌کند که تحلیل داده‌محور این گفتمان‌ها می‌تواند راهگشای شناسایی گرایش‌ها و مسائل آینده‌دار در معماری رسانه‌ای باشد.

با عنایت به مجموعه پیشینه‌های بررسی‌شده، می‌توان دریافت که شبکه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام و توییتر، در بازنمایی و بازآفرینی ادراک معماری، نقشی دوسویه و پیچیده ایفا می‌کنند. ازسویی، این رسانه‌ها با تأکید بر ویژگی‌های بصری و محتوای لذت‌بخش، بستری برای جذب سریع اما زودگذر توجه کاربران فراهم می‌آورند؛ درحالی‌که ازسوی دیگر، محتوای سودمند و دارای ارزش‌های فرهنگی، قابلیت خلق تعاملات پایدار و معنادار را داراست. همچنین، مطالعات نشان می‌دهند که الهام‌گیری مشتری، به‌عنوان واکنشی درونی به محرک‌های محتوایی، نقشی محوری در شکل‌دهی به قصد خرید و رفتار مخاطبان ایفا می‌کند و این امر نه تنها تابع کیفیت اطلاعات و زیبایی‌شناسی محتواست، بلکه به ویژگی‌های روان‌شناختی مخاطب نیز وابسته است. در مجموع، آنچه در این پژوهش‌ها برجسته است، ضرورت بازاندیشی در راهبردهای بازاریابی معماری در بسترهای دیجیتال است؛ راهبردی که باید میان اغواگری بصری و غنای معنایی توازن برقرار و با شناخت دقیق مخاطب، محتوایی الهام‌بخش، هدفمند و متکی بر هویت فرهنگی تولید کند.

مرور ادبیات

• **اینستاگرام: تهدیدی برای هویت معماری**
اینستاگرام، با ایجاد دسترسی آسان به محتوای معماری و تمرکز بر تصاویر جذاب، به‌طور چشمگیری در شکل‌دهی سلیقه عمومی نقش داشته است (Onanuga, 2022). الگوریتم‌های این پلتفرم، معمولاً طراحی‌های مدرن و خیره‌کننده را برجسته می‌کنند که به تدریج منجر به غلبه سبک‌های جهانی بر طراحی‌های بومی شده است (Thampanichwat et al., 2023). این رویکرد، ضمن تغییر انتظارات مخاطبان، ترجیحات آن‌ها را به سمت معماری‌هایی سوق داده است که اغلب با هویت فرهنگی محلی همخوانی ندارند (Cotter, 2019). در این شرایط، معماران نیز تحت فشار بازار، به پیروی از سبک‌های پرطرفدار روی می‌آورند و این چرخه تأثیرگذاری اینستاگرام بر معماری بیش از پیش تقویت می‌شود (Bedford, 2022).

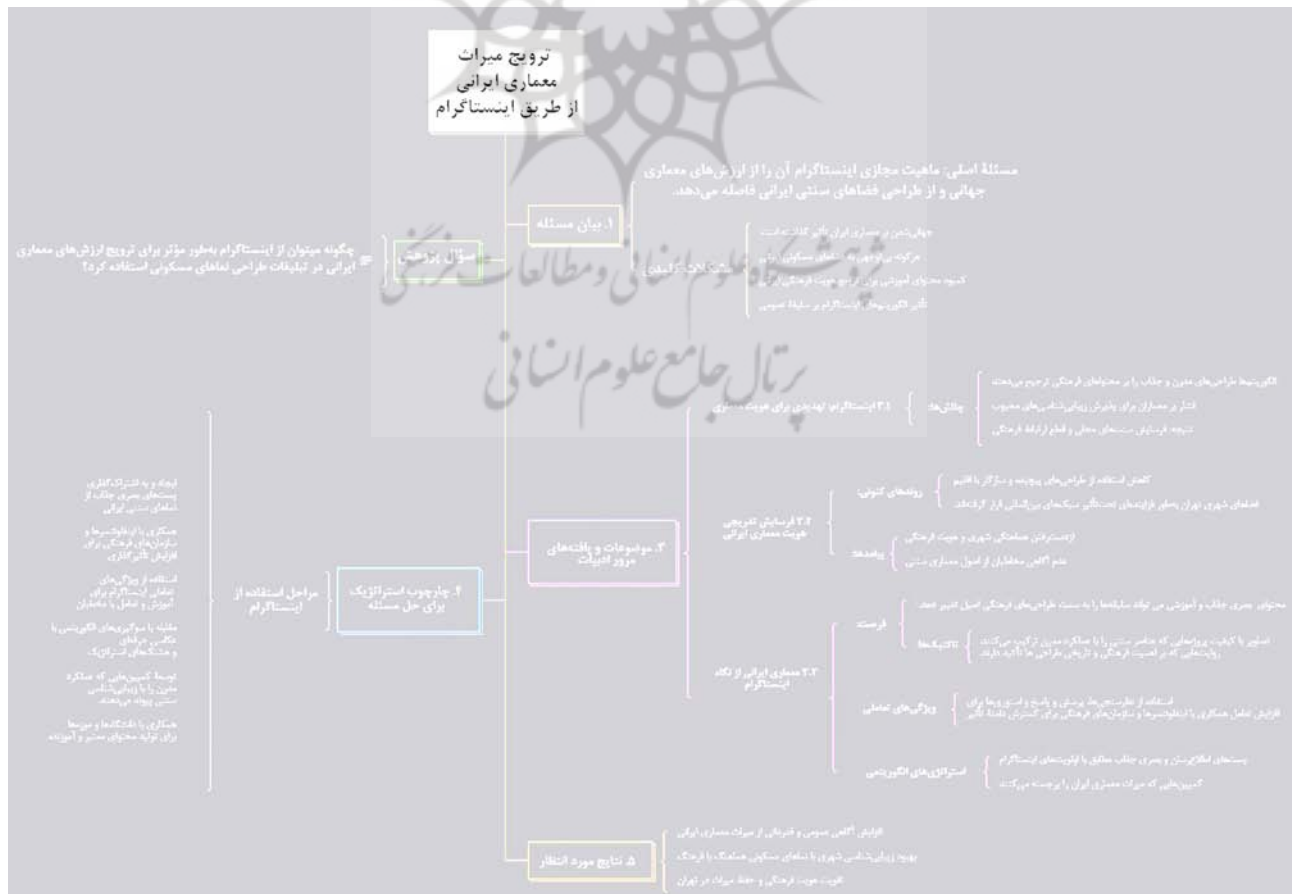
• زوال تدریجی هویت معماری ایرانی

فرسایش تدریجی هویت معماری ایرانی، به‌عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی در حوزه معماری معاصر مطرح است.

روش پژوهش

در این پژوهش، با تکیه بر رویکرد کیفی، نقش پلتفرم اینستاگرام در ترویج میراث معماری ایرانی و ارتقای آگاهی عمومی پیرامون طراحی نمای بناهای مسکونی در کلان‌شهر تهران بررسی شده است. از آنجاکه موضوع مذکور در فضای پژوهش‌های داخلی نسبتاً نوظهور تلقی می‌شود، به‌منظور پاسخ‌دهی جامع به اهداف پژوهش، ساختار پژوهش بر پایه دو زیرمطالعه مکمل سامان یافته است؛ زیرمطالعه نخست بر تحلیل داده‌های حاصل از مشاهدات میدانی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با کارشناسان معماری متمرکز است، درحالی‌که زیرمطالعه دوم با هدف تدوین چارچوب مفهومی، به بهره‌گیری از منابع معتبر بین‌المللی و بومی‌سازی استراتژی‌ها از طریق گفت‌وگوهای تکمیلی با خبرگان میان‌رشته‌ای در حوزه‌های جامعه‌شناسی شهری و رسانه می‌پردازد. انتخاب مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های عمیق، بر مبنای ملاک‌هایی چندلایه و نظام‌مند انجام شد. در گام نخست، تمرکز بر آن دسته از کارشناسان معماری بود که دارای سابقه و تخصص مشخص در یکی از محورهای «آشنایی بصری در فضاهای شهری»، «میراث معماری ایرانی و اصول طراحی بومی» یا «طراحی نمای ساختمان و فنون معمارانه مرتبط با

آموزشی می‌تواند به تقویت این تلاش‌ها کمک شایانی کند (MacDowall & Budge, 2021). افراد تأثیرگذار علاقه‌مند به حفظ میراث فرهنگی، با برخورداری از شبکه گسترده‌تری از مخاطبان، می‌توانند به افزایش اعتبار و نفوذ پیام کمک کنند (Manovich, 2020). همکاری با دانشگاه‌ها و موزه‌ها نیز امکان دسترسی به منابع تخصصی و غنی را فراهم آورده و تضمین‌کننده دقت و جامعیت محتوای تولیدشده خواهد بود (Dhanesh et al., 2022). از دیگر دستاوردهای چنین همکاری‌هایی می‌توان به تسهیل برگزاری رویدادها و کمپین‌های متعدد با هدف برجسته‌سازی اهمیت میراث معماری ایرانی و ارتقای سطح آگاهی عمومی اشاره کرد (Thomas et al., 2020). توجه به تعصبات الگوریتمی حاکم بر اینستاگرام نیز اهمیت به‌سزایی دارد. از آنجاکه این پلتفرم به محتوای پربازده و تعاملی اولویت می‌دهد، تولید محتوایی که هم‌زمان آموزنده و جذاب باشد، امری ضروری است (Cuevas-Molano et al., 2021). بهره‌گیری از عکاسی حرفه‌ای، روایت‌های گیرا و طراحی‌های بصری چشم‌نواز می‌تواند به افزایش دیده‌شدگی محتوای ترویجی معماری سنتی کمک شایانی کند (Chaudhary, 2021) (تصویر ۱).



تصویر ۱. چارچوب راهبردی برای ترویج میراث معماری ایرانی در اینستاگرام. مأخذ: نگارندگان.

کدگذاری اولیه، گزاره‌ها و کلیدواژه‌های معنادار از هر پاراگراف استخراج و به‌عنوان بازتابی از دغدغه‌ها و تحلیل‌های ضمنی درباره پیوند معماری و رسانه‌های اجتماعی ثبت شد. سپس، کدهای هم‌معنا در قالب خوشه‌هایی سامان‌دهی و الگوهای مضمونی اولیه پدیدار شدند. به‌منظور اعتباربخشی یافته‌ها، از دو راهبرد مکمل استفاده شد: نخست، بازبینی کدها توسط مصاحبه‌شوندگان (Member Checking) برای اطمینان از انطباق تحلیل‌ها با منظور واقعی ایشان؛ دوم، کدگذاری موازی (Intercoder Reliability) توسط دو پژوهشگر مستقل به‌منظور کاهش سوگیری. همچنین، برای ارزیابی تطبیقی یافته‌ها، ۲۱ منبع بین‌المللی درباره تأثیر رسانه‌های اجتماعی بر هویت فرهنگی و ترویج معماری بومی بررسی و با نتایج این پژوهش مقایسه شد تا بنیان نظری تحلیل تقویت شود.

یافته‌های پژوهش

در زیرمطالعه نخست پژوهش، به‌منظور ارزیابی نمای بناهای مسکونی براساس معیارهای زیبایی‌شناسی طراحی، ادغام فرهنگی، مصالح و متریال، هماهنگی با بافت پیرامون، کارکردپذیری، عناصر نوآورانه و پاسخگویی محیطی، تصاویر از محلات هروی، اقدسیه و فرجام گردآوری شد و این تصاویر با همکاری پنج نفر کارشناس و متخصص طراحی معماری در حوزه آکادمیک (سه نفر) و در حوزه اجرایی (دو نفر) تجزیه و تحلیل شدند (جدول ۱، ۲ و ۳).

یافته‌های مربوط به بررسی نمای بناهای مسکونی محله‌های هروی، اقدسیه و فرجام غربی

• محله هروی

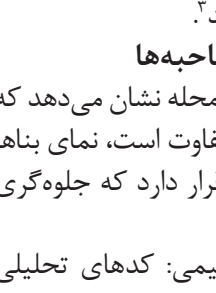
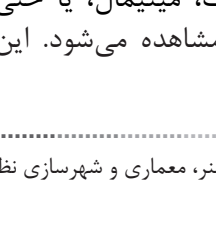
در محله هروی، بررسی میدانی از سه بنای مسکونی در سه بازه زمانی مختلف (صبح، ظهر و عصر) انجام شد. براساس تحلیل تصاویر و مصاحبه با کارشناسان، مشخص گردید که ترکیب فرم‌های مدرن (نظیر سطوح شیشه‌ای گسترده) با تزئینات کلاسیک (مانند ستون‌های نماسازی‌شده و سرستون‌های اغراق‌آمیز) بیشترین فراوانی را در این محله داراست. کارشناسان، این پدیده را ناشی از «تلاش سازندگان برای جلب توجه در فضای مجازی» و «پاسخگویی به سلیقه روزآمد اینستاگرامی» می‌دانند (کارشناس شماره ۲). این امر منجر به افزایش اغتشاش بصری در محیط و عدم انسجام در ساختار زیباشناختی نمای ساختمان‌ها شده است.^۱

• محله اقدسیه

در محله اقدسیه، گرایش به طراحی مدرن و مینیمال به وضوح مشهود است. بررسی نمای دو ساختمان منتخب در این محدوده نشان می‌دهد که اگرچه برخی ظواهر مدرن (مانند ایجاد حجم‌های مکعبی با سطوح شیشه‌ای گسترده) رعایت

هویت ایرانی» بودند. پنج نفر از این کارشناسان، با حداقل پنج سال تجربه تدریس یا پژوهش دانشگاهی یا فعالیت اجرایی و نظارتی در حوزه طراحی نما، از طریق بررسی رزومه‌های تخصصی، آثار منتشرشده و نیز معرفی‌های هدفمند توسط اساتید راهنما و مشاور شناسایی شدند. افزون بر معیارهای علمی و حرفه‌ای، توانایی تحلیل پدیده‌های معماری از منظر تحولات دیجیتال، به‌ویژه نقش اینستاگرام در شکل‌دهی به سلیقه عمومی در طراحی نما، به‌عنوان معیاری کلیدی برای انتخاب نهایی در نظر گرفته شد. از این‌رو، طی مصاحبه مقدماتی، تنها افرادی که سطح معقولی از آگاهی نسبت به کارکرد پلتفرم‌های اجتماعی دارند، برای گفت‌وگوهای عمیق‌تر برگزیده شدند. محدوده جغرافیایی فعالیت (شهر تهران)، امکان برگزاری جلسات حضوری یا تصویری و آمادگی برای مشارکت داوطلبانه نیز از جمله عوامل تکمیلی در تعیین ترکیب نهایی گروه مصاحبه‌شونده بود. فرایند شناسایی این افراد با بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری هدفمند (Purposive Sampling) انجام شد. در ابتدا، فهرستی از اساتید دانشگاهی، کارشناسان دفاتر مشاور معماری و متخصصان مستقل در حوزه‌های مرتبط گردآوری شد و پس از تماس اولیه، تبادل اطلاعات پژوهشی و ارزیابی رزومه‌ها، آن دسته از افراد که هم از منظر علمی-حرفه‌ای واجد شرایط و هم از نظر زمانی در دسترس بودند، به‌عنوان مصاحبه‌شوندگان نهایی انتخاب شدند. در مرحله دوم پژوهش و به‌منظور غنی‌سازی رویکرد میان‌رشته‌ای در تحلیل استراتژی‌ها، سه نفر دیگر نیز به گروه خبرگان افزوده شدند: ۲ نفر از جامعه‌شناسان شهری با تمرکز بر مطالعات فرهنگی و مصرف فضا، و یک نفر از پژوهشگران علوم رسانه با شناخت عمیق از سازوکارهای الگوریتمی اینستاگرام. این گروه مکمل نیز با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و با تأکید بر معرفی افراد از سوی اساتید راهنما گزینش شدند تا انسجام نظری پژوهش تقویت شود. گردآوری داده‌های مصاحبه‌ای در دو بازه زمانی انجام شد. در زیرمطالعه نخست و همزمان با تحلیل میدانی شش بنای مسکونی در سه محله منتخب (هروی، اقدسیه و فرجام غربی)، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته‌ای با پنج کارشناس معماری انجام شد که هر کدام بسته به شرایط زمانی و موضوعی، طی دو تا سه جلسه ادامه یافت. در زیرمطالعه دوم، همان پنج نفر با هدف بررسی یافته‌های پیشین و تعمیق تحلیل‌ها مجدداً دعوت به مصاحبه شدند و سه متخصص میان‌رشته‌ای نیز به گفت‌وگوها پیوستند. تحلیل داده‌های مصاحبه‌ها با بهره‌گیری از روش تحلیل تماتیک (Thematic Analysis) در شش مرحله اصلی انجام. در ابتدا و در مرحله آشنایی با داده‌ها، متن کامل مصاحبه‌ها پیاده‌سازی، مطالعه و با یادداشت‌برداری حاشیه‌ای، تصویر کلی از محتوای گفت‌وگوها ترسیم شد. در

جدول ۱. کدها و مضامین مستخرج از تحلیل نمای بناهای مسکونی در محله هروی کلانشهر تهران. مأخذ: نگارندگان.

تصویر نمونه‌های مورد بررسی	توضیحات	کدهای محوری
	این نما با استفاده از موتیف‌های دایره‌ای بیش از حد بزرگ، پیوستگی بافت شهری را مختل می‌کند و هیچ ارتباطی با فرم‌های تاریخی معماری ایرانی ندارد که عدم توجه به تداوم معماری سنتی ایرانی را نشان می‌دهد.	گسست شهری، بی‌توجهی به واژگان معماری ایرانی
	استفاده بیش از حد از فرم‌های دایره‌ای در تضاد با احجام مستطیلی باعث ایجاد تنش بصری شده است. طراحی فاقد عمق روایی بوده و از لحاظ فرهنگی و نماین هیچ معنایی را انتقال نمی‌دهد.	استفاده بیش از حد از فرم‌ها و نبود روایت در طراحی
	نمای سنگی صیقلی حرارت را جذب کرده و نیاز به سیستم‌های مکانیکی را افزایش و عدم استفاده از سایه‌بازن‌های سازگار با اقلیم محلی تهران، کارایی حرارتی را کاهش داده است.	ناکارآمدی حرارتی و عدم انطباق با اقلیم محلی
	استفاده از سنگ بژ به عنوان مرتیال اصلی نشان‌دهنده تولید انبوه بوده و غنای صنایع دستی ایران را قربانی کرده است، این نما فاقد تمایز و تنوع هنری و بافتی است.	تولید انبوه و فقدان تمایز بافتی و هنری
	طراحی بسته و غیرشفاف این نما ساکنان را از خیابان و جامعه جدا می‌کند. عدم توجه به عناصر اجتماعی و فرهنگی، ساکنان محلی را از جامعه منزوی می‌کند.	نمای بسته و عدم انطباق با اجتماع و فرهنگ
	ترکیب یک ساختار مدرن مینیمالیستی (سمت چپ) و یک ساختمان نفوکلاسیک با تزئینات سنگین (سمت راست) منجر به یک هویت شهری نامنسجم شده است. طراحی فردگرایی را بر انسجام ارجح دانسته و در نتیجه یک منظر شهری گسسته و فاقد حس مکان یکپارچه ایجاد کرده است.	گسست شهری، غلبه فردگرایی بر هماهنگی معماری
	استفاده بیش از حد از بالکن‌های منحنی و نرده‌های آهنی تزئینی در سمت راست، تزئینات افراطی را به نمایش می‌گذارد که سادگی را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ نمای سمت چپ با بهره‌گیری از شیشه و فرم‌های هندسی تیز به دنبال القای مدرنیته است اما فاقد عمق هنری با پیوند فرهنگی است.	تزئینات افراطی؛ فقدان روایت نمادین یا فرهنگی
	نمای مدرن (سمت چپ دارای پنجره‌های شیشه‌ای بدون سایه‌اندازی است که در تابستان‌های گرم تهران می‌تواند منجر به ناراحتی حرارتی شود؛ بالکن‌های پیش‌آمده در سمت راست سایه جزئی ایجاد می‌کنند اما فاقد پوشش گیاهی با مصالح، بازتابنده برای بهبود بهره‌وری انرژی هستند.	عملکرد حرارتی ضعیف استراتژی‌های حداقلی برای تطبیق با اقلیم
	نمای سنگی بر در سمت راست نشان دهنده تولید انبوه و الگوهای تکراری است که از ارزش ادراکی ساختمان کاسته است. نمای مدرن (سمت چپ) از شیشه و فلز استفاده کرده که هزینه محوری را بر دوام و تنوع مرتیالی ترجیح داده است.	استفاده از مرتیال استاندارد و تکراری؛ خلایفیت محدود در کاربرد مصالح
	ساختمان سمت راست یک بیانیه اقتصادی از تجمل‌گرایی ارائه داده که برای قشر مرفه جذاب است اما از سنت‌های معماری جمعی فاصله می‌گیرد. ساختمان مدرن سمت چپ بیشتر با گرایش‌های جهانی معماری همسو است و پیچیدگی‌های فرهنگی تهران را نادیده می‌گیرد.	گسست اجتماعی-فرهنگی؛ اولویت‌بندی انحصارگرایی بر اجتماع

ساختمان‌های قدیمی‌تر ترغیب می‌کند تا ظاهری «به روز» و همسو با جریان جهانی شده باشند^۳.

• جمع‌بندی یافته‌های میدانی و مصاحبه‌ها

– غلبه الگوهای جهانی‌شده: بررسی سه محله نشان می‌دهد که اگرچه بافت اقتصادی و هویتی آن‌ها متفاوت است، نمای بناها عمدتاً تحت تأثیر الگوهای جهانی‌شده قرار دارد که جلوه‌گری در فضای اینستاگرام را هدف گرفته‌اند.

– بی‌توجهی به زمینه‌های بومی و اقلیمی: کدهای تحلیلی بیانگر این است که در اکثر نمونه‌ها، اصولی چون سایه‌اندازی مناسب، مصالح سازگار با آب‌وهوای شهر تهران و نیز جانمایی بازشوها (درب‌وپنجره) متناسب با شرایط اقلیمی نادیده گرفته شده است.

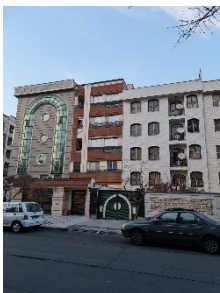
– فقدان انسجام سبکی: در هر سه محله، التقاط یا ترکیب ناقص سبک‌ها (کلاسیک، نئوکلاسیک، مینیمال، یا حتی فرم‌های سنتی) بدون منطق واحد مشاهده می‌شود. این

می‌شود، اما در موارد متعددی با تناقضات کاربردی مواجه است؛ به‌طور مثال، عدم پیش‌بینی سایبان و بالکن‌های عمیق متناسب با اقلیم تهران. براساس تحلیل مضامین استخراج‌شده از مصاحبه‌ها، این تناقض را می‌توان ناشی از فشار بازار در ایجاد نمای «پر زرق و برق» و هم‌زمان هم‌سویی با سلیقه کاربران شبکه‌های اجتماعی دانست^۴.

• محله فرجام غربی

در محله فرجام غربی، علی‌رغم سطح اقتصادی نسبتاً متوسط‌تر در مقایسه با هروی و اقدسیه، دوگانگی قابل توجهی میان مصالح سنتی (مانند آجر و سنگ بادبر) و فرم‌های معاصر مشاهده می‌شود. براساس **جدول ۳**، کارشناسان مهم‌ترین چالش در این محله را «عدم تداوم بصری و گسست شدید میان نماهای قدیمی و جدید» قلمداد کردند. همچنین، شبکه‌های اجتماعی (به‌ویژه اینستاگرام) به عنوان عاملی شناخته می‌شود که ساکنان را به اجرای نماهای نوین در

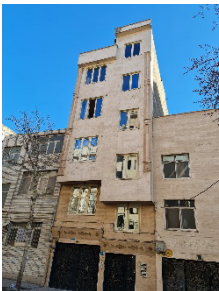
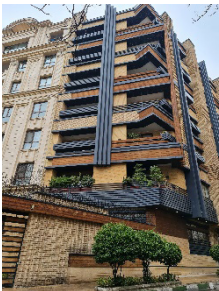
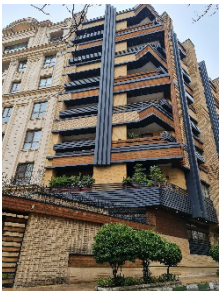
جدول ۲. کدها و مضامین مستخرج از تحلیل نمای بناهای مسکونی در محله اقدسیه کلانشهر تهران. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	تصویر نمونه‌های مورد بررسی	کدهای محوری
استفاده مداوم از عناصر نفوکلاسیک مانند قوس‌ها و ستون‌ها تلاشی برای ایجاد یک هویت شهری باشکوه است، اما در مقیاس یک فضای مسکونی بیش از حد اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد. این ساختمان به دلیل مقیاس نامتناسب بر محیط اطراف خود غلبه و بافت متواضع همجوار را دچار اختلال کرده است.		طراحی بیش از حد مقیاس؛ عدم تعادل با بافت شهری پیرامون
تکرار ستون‌ها و قوس‌های کلاسیک نمایی یکنواخت ایجاد کرده که فاقد عمق بصری و نوآوری است؛ ساختمان در تلاش برای نمایش شکوه و تجمل است اما زیاده‌روی در تزئینات، تأثیر زیبایی شناختی آن را کاهش داده است.		یکنواختی در طراحی؛ اغراق در نمادهای تجمل‌گرایانه
پنجره‌های بزرگ هرچند از نظر زیبایی‌شناسی با تم کلاسیک سازگارند، اما فاقد عناصر سایه‌انداز بوده و در نتیجه منجر به افزایش جذب حرارت می‌شوند؛ استفاده از مصالحی مانند سنگ گرچه دارای جرم حرارتی است، اما با استراتژی‌های خنک‌سازی غیرفعال هماهنگ نشده است.		عدم استفاده از سایه‌انداز؛ حداقل‌گرایی در طراحی اقلیمی
استفاده از سنگ باعث افزایش دوام نما شده اما جلوه‌ای سرد و سخت به ساختمان بخشیده که فاقد حس گرما و زندگی است؛ هرچند تزئینات موجود نشان‌دهنده سطحی از هنر و صنعت هستند اما تولید انبوه و تکراری بودن جزئیات از اصالت طراحی کاسته است.		متریال مقاوم اما خشک و بی‌روح؛ کاهش اصالت به دلیل تولید انبوه
سبک نفوکلاسیک این بنا با زندگی روزمره ساکنان تهران پیوندی ندارد و نوعی هویت وام‌گرفته را بازتاب می‌دهد که با فرهنگ بومی همخوانی ندارد؛ طراحی این نما بر انحصارگرایی تأکید داشته و به جای ایجاد تعامل اجتماعی، یک مرز فیزیکی و نمادین میان ساکنان و جامعه ایجاد کرده است.		گسست از فرهنگ بومی؛ اولویت انحصار بر تعامل اجتماعی
نمای بناها طراحی‌ای به شدت پراکنده دارد به طوری که هر بخش از بناها به نظر می‌رسد، متعلق به یک دوره یا سبک معماری متفاوت باشد؛ ترکیب آجر، سنگ سفید و پنل‌های شیشه‌ای بزرگ یک جلوه ناهمگون ایجاد کرده که انسجام شهری را از بین برده است.		هویت شهری گسسته؛ عدم وجود یک زبان طراحی یکپارچه
ترکیب پنجره‌های مستطیلی و قوسی به‌ویژه پنل شیشه‌ای بزرگ با فرم قوسی در سمت چپ، باعث ایجاد تنش بصری به جای هماهنگی شده است؛ عدم وجود یک روایت یا تمرکز موضوعی مشخص در طراحی، نما را فاقد انسجام بصری کرده است.		ناهماهنگی بصری؛ فقدان روایت زیبایی‌شناختی منسجم
استفاده گسترده از شیشه در بخش مرکزی باعث افزایش جذب گرما شده و بهره‌وری انرژی ساختمان را کاهش داده است؛ سایر بخش‌ها نیز فاقد عناصر سایه‌انداز هستند که نشان از عدم توجه به استراتژی‌های سازگار با اقلیم متغیر تهران دارد.		ناکارآمدی انرژی؛ عدم تطبیق با شرایط اقلیمی
استفاده از مصالحی مانند آجر و شیشه نشان‌دهنده تلاشی برای ایجاد تعادل بین عناصر سنتی و مدرن است اما این ترکیب نتوانسته است هماهنگی مطلوبی ایجاد کند؛ سنگ سفید استفاده‌شده حس بی‌روحي دارد و فاقد بافت است، درحالی‌که شیشه سبزه‌گونه نمایی صنعتی ایجاد کرده است که با فضای مسکونی همخوانی ندارد.		عدم توازن در متریال؛ ترکیب ناموفق عناصر سنتی و مدرن
طراحی فاقد ارتباط فرهنگی است؛ پنل شیشه‌ای بزرگ و حس صنعتی نما، استفاده ظریف از آجر که می‌توانست نشانه‌ای از میراث محلی باشد را تحت‌الشعاع قرار داده است؛ طراحی پراکنده و تکه‌تکه نشان‌دهنده عدم توجه به اصول معماری اجتماع‌محور است.		گسست فرهنگی؛ اولویت سبک التقاطی بر طراحی زمینه‌محور

و آگاهی‌بخش در صفحات تخصصی و عمومی گسترش یابد و طراحان نماهای موفق و همسو با بستر فرهنگی-اقلیمی تشویق شوند، می‌توان الگوریتم‌ها را از «همگن‌سازی هویت» به «ابزاری برای ترویج خلاقیت بومی» تبدیل کرد (جدول ۴). در زیر مطالعه دوم، تلاش شد به این سؤال پاسخ داده شود که چگونه پلتفرم اینستاگرام و شبکه‌های آن در ساماندهی و ترویج الگوی بهینه و بومی طراحی نمای بناهای مسکونی در کلانشهر تهران و افزایش آگاهی مخاطبان عام و جهت‌دهی مثبت ترجیحات آنها نقش‌آفرینی کند، ابتدا کنکاشی عمیق در ادبیات پژوهش‌های خارجی انجام شد (تصویر ۲). پس از بررسی جامع ادبیات موجود و شناسایی تأثیر مثبت

موضوع، اغتشاش بصری و ازهم‌گسیختگی هویتی را در سیمای شهری تقویت کرده است. - تأثیر بازار و تبلیغات دیجیتال: براساس شواهد مصاحبه‌ها، تبلیغات وسیع در شبکه‌های اجتماعی، الگوی سلیقه بازار را شکل می‌دهد. تمایل به «جذابیت بصری» اینستاگرامی سبب می‌شود سازندگان و مالکان، نمایی را انتخاب کنند که بیشترین پتانسیل «لایک» و «توجه رسانه‌ای» را داشته باشد، بی‌آنکه هویت ایرانی یا ضرورت‌های پایایی اقلیمی را رعایت کنند. - پتانسیل اصلاحی رسانه‌های اجتماعی: با این حال، برخی کارشناسان به نقش مثبت اینستاگرام در فرهنگ‌سازی اشاره داشتند. از دیدگاه آنان، در صورتی که محتوای آموزشی

جدول ۳. کدها و مضامین مستخرج از تحلیل نمای بناهای مسکونی در محله فرجام غربی کلانشهر تهران. مأخذ: نگارندگان.

توضیحات	کدهای محوری	تصویر نمونه‌های مورد بررسی
نمای ساختمان دارای طراحی مینیمالیستی است که هیچ ارتباطی با بافت شهری اطراف خود برقرار نمی‌کند؛ این سطح صاف و بی‌روح در نما موجب قطع ارتباط بصری با ساختمان‌های مجاور می‌شود و به ایجاد یک منظر شهری نامنسجم کمک می‌کند.	هویت شهری گسسته؛ عدم ادغام با محیط پیرامون	
نمای ساده و یکدست به رنگ بژ، بدون تزئینات قابل توجه، ظاهری یکنواخت و فاقد جذابیت بصری ایجاد کرده است؛ نقوش تزئینی محدود در بخش ورودی ساده و فاقد عمق زیبایی‌شناختی یا ارزش نمادین و روایی حداقلی.	یکنواختی بصری؛ ارزش نمادین و روایی حداقلی	
نبود عناصر سایه‌انداز روی پنجره‌ها منجر به افزایش جذب حرارت، به‌ویژه در تابستان‌های گرم تهران شده است. به نظر می‌رسد مترپال به‌کاررفته در نما سنگ باشد که گرچه دارای جرم حرارتی است، اما بدون ادغام در راهکارهای طراحی غیرفعال بهینه‌سازی مصرف انرژی را فراهم نمی‌کند.	ناکارآمدی انرژی عدم توجه به ویژگی‌های اقلیمی	
استفاده از سنگ بژ اگرچه دوام بالایی دارد اما نمایی خشک و سخت به ساختمان داده است. طراحی پیچیده درب‌های فلزی در طبقه همکف هرچند از لحاظ هنری ارزشمند است، اما در کلیت طراحی کم جزئیات و بی‌روح نما گم شده است.	مترپال مقاوم اما بی‌روح؛ عدم تعادل در استفاده از بافت‌های مترپالی	
طراحی این ساختمان بیشتر بر عملکردگرایی تأکید دارد تا بیان فرهنگی، که در نتیجه، نمایی بدون هویت و جدا از میراث معماری بومی ایرانی شکل گرفته است؛ نبود عناصر تعاملی و اجتماعی باعث ایجاد حس انزوا در این فضا شده و ارتباط آن را با اجتماع کاهش داده است.	ناشناسی فرهنگی؛ تقدم عملکرد بر تعامل اجتماعی	
این بنای مدرن با ظاهری جسور و معاصر تضاد شدیدی با سبک کلاسیک بنای مجاور ایجاد کرده است؛ بالکن‌های زاویه‌دار و عناصر عمودی هویتی منحصر به فرد به نما داده‌اند، اما مقیاس و فرم آن باعث برهم‌زدن انسجام بافت شهری شده است.	تضاد شهری؛ طراحی معاصر که بر فضای خیابانی غالب شده است	
استفاده از بالکن‌های پویا و خطوط عمودی قوی جلوه‌ای چشمگیر به نما بخشیده است؛ تلفیق بافت‌های چوبی و آجر گرمای خاصی ایجاد کرده اما در کنار عناصر فولادی مشکی تعادل بصری به چالش کشیده و نوعی تنش در نما ایجاد شده است.	زیبایی‌شناسی جسورانه اما نامتعادل؛ ترکیب سنگین عناصر طراحی	
بالکن‌های عمیق، سایه‌اندازی مناسبی را فراهم می‌کند و میزان جذب گرمای خورشیدی را کاهش می‌دهند که نشان از توجه به اصول اقلیمی دارد. استفاده از مترپال طبیعی مانند آجر و چوب به عایق حرارتی کمک می‌کند اما این مواد در اقلیم تهران نیاز به نگهداری مداوم دارند.	سایه‌اندازی مؤثر؛ پایداری مترپال با چالش‌های نگهداری	
ترکیب آجر، چوب و فولاد مشکی یک پالت مترپالی لایه‌ای ایجاد کرده که مدرن اما همچنان تا حدی به زمینه بومی نزدیک است؛ فولاد هرچند جذابیت بصری دارد اما در صورت عدم رسیدگی مناسب، احتمال زنگ‌زدگی و فرسودگی آن در بلندمدت وجود دارد.	ترکیب مترپالی متنوع؛ نگرانی‌های دوام طولانی مدت	
این طراحی نمایانگر سبک زندگی مدرن و لوکس است که از طریق استفاده از مترپال‌های گران‌قیمت و فرم‌هایی که بر فردگرایی تأکید دارند، مشهود است؛ نبود فضاهای باز و تعاملی، ارتباط این ساختمان را با ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی سنتی کلانشهر تهران کاهش داده است.	تأکید بر فردگرایی به جای اجتماع‌گرایی؛ عدم پیوند با فرهنگ بومی	

مسکونی در سه محله اقدسیه، هروی و فرجام غربی در کلانشهر تهران، تلاش شده است تا تعامل پیچیده‌ای که میان نیروهای جهانی‌شدن، میراث فرهنگی و تأثیر روزافزون پلتفرم‌های دیجیتال همچون اینستاگرام بر طراحی نماها شکل می‌گیرد، آشکار شود. نتایج این مطالعه نشان داد که نماهای بناهای مسکونی در کلانشهر تهران به‌عنوان آینه‌ای از تحولات معماری در ایران عمل می‌کنند؛ عرصه‌ای که تجاری‌سازی طراحی و اولویت‌های الگوریتمی، به تدریج زبان‌های سنتی معماری را تحت الشعاع قرار داده‌اند. اینستاگرام، در عین حال که به یکسان‌سازی سبک‌های معماری و کم‌رنگ‌شدن تفاوت‌های فرهنگی کمک کرده، پتانسیل قابل توجهی برای

رسانه‌های اجتماعی، به‌ویژه اینستاگرام، بر ترویج الگوهای طراحی منطبق با شرایط زیستی، اقلیمی، فرهنگی و معماری محلی و جهت‌دهی مثبت ترجیحات کاربران و مخاطبان عام، در جهت بومی‌سازی و انطباق مضامین و گزاره‌های نظری کلی با شرایط فرهنگی، کالبدی- فضایی و اقلیمی ایران و به‌ویژه کلانشهر تهران، مصاحبه‌ای با هشت کارشناس و متخصص انجام و از این طریق کدها، مضامین و گزاره‌های نظری استخراج شد (تصویر ۳).

بحث

در این پژوهش، با بررسی شش نمونه از نماهای بناهای

جدول ۴. ماتریس تحلیلی چندلایه‌ای برای بررسی تطبیقی سه محله از منظر نماهای مسکونی، درون‌مایه‌های مصاحبه‌ها و بسترهای دیجیتال. مأخذ: نگارندگان.

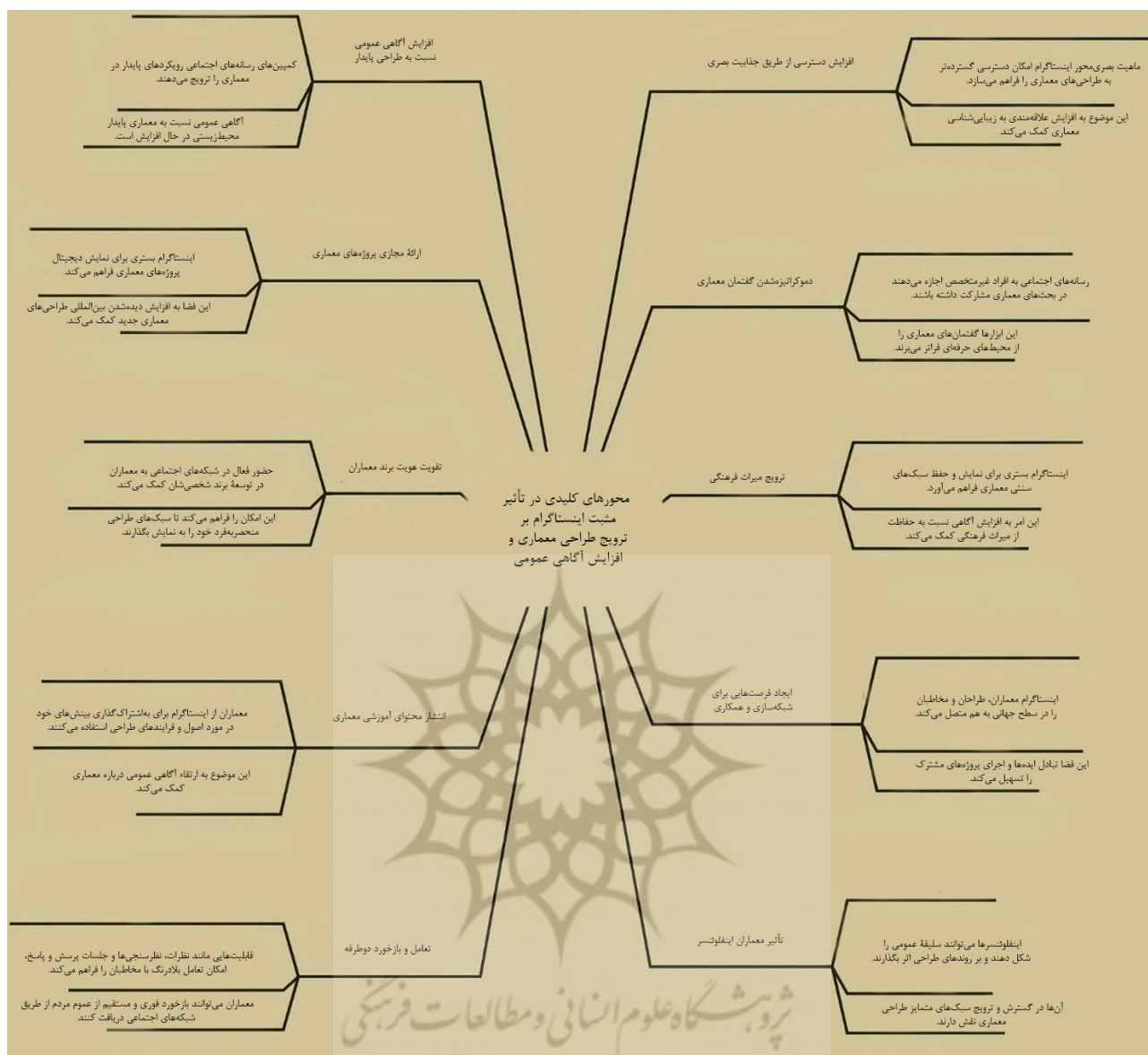
محورهای تحلیلی	محله هروی	محله اقدسیه	محله فرجام غربی
گرایش سبکی غالب در نماها	التقاط نئوکلاسیک با عناصر مدرن؛ گرایش به نمایش تزئینی-مصنوعی	مینیمالیسم مدرن با گرایش فرمی شفاف و ساده؛ فقدان عمق اقلیمی	تلاش برای بازسازی ظاهر با تلفیق ناقص سبک‌های کلاسیک و معاصر
نوع اغتشاش بصری	ناهماهنگی فرم‌ها، مصالح براق و برجسته در پس‌زمینه‌ای خنثی	فقدان سایه‌اندازی و سطوح عمیق؛ خنثی‌سازی اقلیم در طراحی	شکست تداوم بصری در ترکیب نماهای قدیمی و بازسازی‌شده
محرك اجتماعی و دیجیتال مؤثر	میل به دیده‌شدن در فضای مجازی از طریق طراحی پرزرق‌وبرق	فشار الگوریتمی اینستاگرام در بازتولید سبک «شیک» و سلیبی	تبلیغات بازسازی نما در صفحات پرمخاطب؛ بازتولید بی‌هویت از تصاویر اینستاگرامی
کلیدواژه برگرفته از مصاحبه‌ها	«لاکچری‌سازی مجازی‌محور»، «ستون‌سازی بی‌ریشه»	«مینیمالیسم بی‌اقلیم»، «قالب‌بندی سلیقه دیجیتال»	«بازسازی بی‌سابقه»، «نماهای مدرن بر کالبد سنتی»
نقش اقلیم در طراحی نما	عمدتاً نادیده‌گرفته‌شده؛ انتخاب مصالح صرفاً براساس جذابیت بصری	حذف مؤلفه‌های اقلیمی (سایه، عمق، تهویه) در برابر فرم‌گرایی رسانه‌محور	تلاش‌های موردی برای استفاده از مصالح سنتی، بدون انسجام عملکردی و اقلیمی
نوع پیوند با هویت معماری ایرانی	گسست کامل؛ استفاده نمایشی از فرم‌های کلاسیک غیرایرانی	عدم بومی‌سازی اصول مدرن؛ حذف لایه‌های فرهنگی و بومی	تلاش برای اتصال سبک‌ها، اما بدون زبان مشترک فرمی و مفهومی
شدت تأثیر الگوریتم‌ها و سلیقه شبکه‌ای	بالا (برندسازی اینستاگرامی در طراحی نما)	بسیار بالا (هم‌سازی با جریان زیبایی‌شناسی دیجیتال جهانی)	متوسط-بالا (تبعیت از ترندهای بازسازی‌شده)
فرصت اصلاحی در بستر رسانه‌های اجتماعی	نیاز به تولید محتوای تحلیلی پیرامون اصالت فرمی	امکان بومی‌سازی مینیمالیسم در صفحه‌های آموزشی معماری	بازتعریف بازسازی بر مبنای سنت و هویت؛ الگوسازی از پروژه‌های موفق محلی
درون‌مایه مرکزی نهفته در تحلیل‌ها	گسست زیبایی‌شناختی با ریشه‌های اقلیمی-فرهنگی	تقلیل طراحی به فرم‌های مینیمال بی‌زمینه	تنش میان گذشته و حال در کالبدی فاقد سیاست‌گذاری منسجم
سطح تنوع سبک‌ها و میزان انسجام آن‌ها	بالا - با اغتشاش فرمی	متوسط - اما با فقدان معنا	بالا - با گسست تاریخی و زیباشناختی
بسامد مضامین در مصاحبه‌ها (درصدی)	۶۸٪ زیبایی‌شناسی جهانی‌شده، ۸۷٪ الگوریتم‌محوری، ۷۵٪ نادیده‌گرفتن اقلیم	۸۵٪ الگوریتم‌محوری، ۸۰٪ فقدان اقلیم، ۶۵٪ مینیمالیسم تقلیدی	۷۸٪ التقاط نامنسجم، ۷۰٪ تأثیر رسانه‌ای، ۶۰٪ نبود سیاست شهری

بر تصمیم‌گیری‌های طراحی است. در این شرایط، زیبایی‌شناسی جهانی‌شده، اصول طراحی بومی و محلی را تحت‌الشعاع قرار داده و منجر به ایجاد تضادهای آشکاری در نماهای ساختمان‌ها شده است. برای مثال، مقایسه‌ی نمای نئوکلاسیک و پرزرق‌وبرق نمونه‌ی سوم با نمای مینیمالیستی و سازگار با الگوریتم‌های دیجیتال نمونه‌ی پنجم، به خوبی این شکاف میان فرم معماری و محتوای فرهنگی را نشان می‌دهد. درواقع، اولویت‌های الگوریتمی اینستاگرام باعث شده است که نماهای ساختمان‌های مسکونی تهران بیشتر به‌دنبال جلب توجه بصری باشند تا اینکه روایتگر فرهنگی عمیق و ارتباطات زمینه‌ای باشند که برای حفظ هویت تاریخی این شهر ضروری است. این پدیده، شباهت

بازتعریف نماهای مسکونی به‌عنوان نمادی از هویت جمعی و رویکردهای پایدار در معماری دارا است. این پژوهش نشان می‌دهد که این پلتفرم، فراتر از یک بستر صرفاً بصری، می‌تواند به ابزاری مؤثر و کاربردی برای احیا و بازشناسی هویت معماری کلانشهر تهران، به‌ویژه در نماهای ساختمان‌های مسکونی، تبدیل شود.

• چندپارگی هویت معماری در نماهای مسکونی تهران: تأثیر همگن‌سازی الگوریتمی

این مطالعه روی شش نمونه‌ی از نماهای مسکونی تهران نشان داد که هویت معماری این شهر به شدت چندپاره شده است. این چندپارگی، نتیجه‌ی مستقیم گسترش جهانی‌شدن و تأثیر رو به رشد الگوریتم‌های دیجیتال



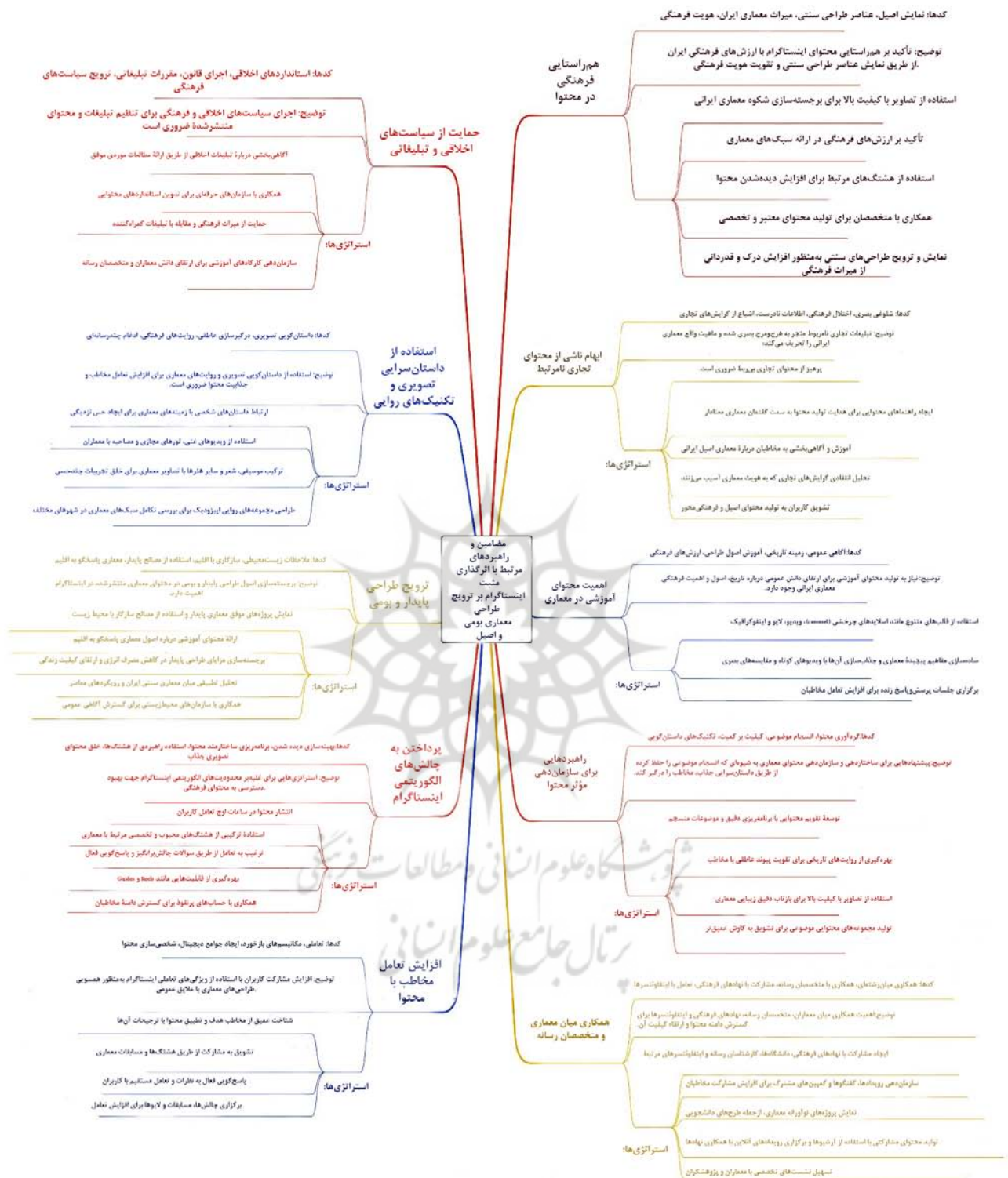
تصویر ۲. مضامین محوری و کلیدی در ارتباط با اثرگذاری مثبت شبکه های اجتماعی (اینستاگرام) بر ترویج طراحی معماری و افزایش آگاهی عمومی مستخرج از ادبیات پژوهش. مأخذ: نگارندگان.

زیادی به نگرانی های فرامتون (Frampton, 1983) درباره «منطقه گرایی انتقادی» دارد؛ جایی که وی هشدار می دهد جهانی شدن می تواند به تدریج ویژگی های خاص فرهنگی هر منطقه را محو کند. الگوریتم های اینستاگرام با اولویت دهی به تعاملات کاربری (مانند لایک و اشتراک گذاری)، به طور مستقیم بر همگن سازی نماهای ساختمان ها تأثیر می گذارند. همان گونه که زوبوف (Zuboff, 2019) و گیلپی (Gillespie, 2018) نیز بر آن تأکید کرده اند، این پلتفرم به نوعی به داور سلیقه عمومی تبدیل شده است و معماران و سازندگان و انبوه سازان را به سمت طراحی نماهایی سوق می دهد که بیش از آنکه به اصالت فرهنگی و زمینه های تاریخی توجه داشته باشند، به دنبال جلب توجه

در فضای مجازی هستند. نتیجه این رویکرد، گسترش نماهایی است که با وجود جذابیت بصری، ارتباطی با بافت تاریخی و محیطی تهران ندارند و به تدریج منجر به ایجاد شهری بی هویت و فاقد یکپارچگی فرهنگی می شوند.

• فروکاست رویکردهای پایدار در طراحی نماهای مسکونی تهران: گسست از سنت و محیط

یکی از یافته های نگران کننده این پژوهش، کاهش چشمگیر توجه به اصول طراحی سازگار با اقلیم در نماهای ساختمان های مسکونی تهران است. در حالی که معماری سنتی ایران به طور گسترده ای از عناصر بومی همچون بادگیرها، حیاط های سایه دار و مصالح سازگار با اقلیم برای ایجاد محیط های پایدار بهره می برده است



تصویر ۳. مضامین و کدهای مستخرج از مصاحبه با کارشناسان در جهت ارائه راهبردهای عملی اثرگذاری مثبت اینستاگرام بر ترویج معماری اصیل و بومی ایرانی بر حوزه طراحی نمای بناهای مسکونی. مأخذ: نگارندگان.

از شیشه‌های بدون سایبان در نمای چهارم و رویکرد مینیمالیستی و بی‌توجه به اقلیم در نمای پنجم، نمونه‌هایی از این گسست هستند.

(Madanipour, 2017)، نمونه‌های مورد مطالعه در این پژوهش نشان دادند که این رویکردها به‌تدریج جای خود را به طراحی‌هایی داده‌اند که کمترین توجه را به شرایط اقلیمی و محیطی دارند. به‌عنوان مثال، استفاده بی‌رویه

• نقش دوگانه اینستاگرام در تحول معماری تهران: همگن سازی و پتانسیل احیا

دومین بخش از این پژوهش به بررسی نقش پیچیده اینستاگرام در تحولات معماری تهران می پردازد. این پلتفرم، در عین حال که به یکسان سازی سبک های معماری کمک کرده، پتانسیل قابل توجهی برای احیای هویت معماری این شهر نیز دارا است. ماهیت بصری اینستاگرام، اگرچه اغلب منجر به گسترش زیبایی شناسی سطحی شده، اما فرصت بی نظیری را برای دموکراتیک سازی گفتمان معماری و ارتقای آگاهی عمومی در زمینه طراحی های پایدار و همسو با فرهنگ و محیط فراهم کرده است. همان طور که در **جدول ۱** نشان داده شده است، اینستاگرام می تواند از طریق تولید محتوای آموزشی، ایجاد تعاملات پویا میان کاربران و نمایش میراث فرهنگی، به ابزاری قدرتمند برای تغییر رویکردهای معماری در تهران تبدیل شود. برای نمونه، انتشار تصاویری با کیفیت بالا از نماهایی که با تلفیق هوشمندانه عناصر سنتی ایرانی و عملکردهای مدرن، هویتی بومی و پایدار را به نمایش می گذارند، می تواند به مقابله با یکنواختی ناشی از الگوریتم های اینستاگرام کمک کند. نمای ششم، با استفاده از مصالح طبیعی و طراحی بالکن های زاویه دار، نمونه ای موفق از این رویکرد است و نشان می دهد که چگونه می توان به طور همزمان به سنت های معماری ایران و الزامات طراحی معاصر پاسخ داد. با بهره گیری از قابلیت های روایت گری بصری اینستاگرام، مانند ریلز (Reels) و کاروسل (Carousels)، معماران و فعالان فرهنگی می توانند داستان این طرح ها را به روشی جذاب و قابل فهم برای مخاطبان عام روایت و اهمیت تاریخی و زیست محیطی آن ها را برجسته کنند. این رویکرد با یافته های تامپانیچاوات و همکاران (Thampanichwat et al., 2023) مبنی بر نقش کلیدی روایت های بصری در ترویج شیوه های پایدار و حفظ هویت فرهنگی، همسو است. یافته های این پژوهش نشان می دهد که برای مقابله با تأثیرگذاری الگوریتم های اینستاگرام بر همگن سازی نماهای ساختمان ها و تقویت هویت معماری بومی، همکاری های گسترده ای میان بازیگران مختلف ضروری است. مشارکت فعالانه معماران، نهادهای فرهنگی، تأثیرگذاران دیجیتال و سیاست گذاران می تواند به ایجاد محتوای باکیفیت و هدفمند در این پلتفرم کمک کند. همکاری با موزه ها و دانشگاه ها به منظور تولید محتوای دقیق و مستند، و مشارکت با اینفلوئنسر ها برای افزایش نفوذ این محتواها در میان مخاطبان گسترده تر، از جمله راهکارهای مؤثر در این زمینه است (MacDowall & Budge, 2021). به عنوان مثال، کمپین هایی که بر معرفی نماهایی با الهام از آجرکاری سنتی، الگوهای کاشی کاری و ویژگی های سازگار با اقلیم متمرکز هستند، می توانند به عموم مردم نشان دهند که چگونه معماری ایرانی می تواند با حفظ اصالت خود، در بافت شهری معاصر نیز حضور

داشته باشد. این همکاری ها همچنین می توانند منجر به تدوین دستورالعمل های محتوایی شوند که بر حفظ اصالت فرهنگی و پایداری معماری تأکید و از گرایش اینستاگرام به اولویت دهی به زیبایی شناسی سطحی و تجاری جلوگیری کنند.

جدول ۲ راهکارهای عملی متنوعی را برای تقویت تأثیرگذاری اینستاگرام در شکل دهی به گفتمان معماری پیشنهاد می دهد. تنوع بخشی به قالب های محتوایی از جمله برگزاری جلسات پرسش و پاسخ زنده، انتشار پست های آموزشی و استفاده از تکنیک های تعاملی، می تواند به جذب مخاطبان گسترده تر و ایجاد تعامل مؤثرتر کمک کند. تمرکز بر موضوعاتی مانند تحولات تاریخی نماهای ساختمان های تهران، مزایای طراحی پایدار و ارزش فرهنگی عناصر معماری سنتی، می تواند آگاهی عمومی را افزایش دهد و به تدریج بر تصمیم گیری های طراحی در این شهر تأثیرگذار باشد.

نتیجه گیری

نماهای بناهای مسکونی در تهران، در نقطه تلاقی سنت دیرین، جهانی شدن پرشتاب و نفوذ روزافزون فرهنگ دیجیتال، چهره های چندلایه و پیچیده پیدا کرده اند. حفظ هویت فرهنگی در این بافت پیچیده، به ویژه در عصری که الگوریتم ها بر بسیاری از جنبه های زندگی انسان سایه افکنده، به پرسشی چالش برانگیز بدل شده است. یافته های این گفتمان نشان داد که اینستاگرام، به عنوان یکی از پرطرفدارترین شبکه های اجتماعی تصویری به ویژه در ایران، نقش دوگانه ای در شکل گیری نماهای معماری بناهای مسکونی کلانشهر تهران ایفا می کند. از یک سو، این پلتفرم با الگوریتم های خود، به همگن سازی سبک های معماری و رواج طراحی های ظاهراً جذاب اما فاقد عمق فرهنگی کمک می کند. از سوی دیگر، اینستاگرام ظرفیت بالقوه ای برای تقویت هویت معماری ایرانی و ایجاد ارتباطی عمیق تر بین معماران، شهروندان و میراث فرهنگی دارد. یافته های پژوهش حاکی از آن است که در حالی که الگوریتم های اینستاگرام، طراحی هایی را ترویج می دهند که بیشتر به دنبال جلب توجه آنی هستند تا بیان هویت فرهنگی، قابلیت های تعاملی و آموزشی این پلتفرم می تواند فرصتی ارزشمند برای احیای ارزش های معماری ایرانی فراهم آورد. نماهای بناهای مسکونی در کلانشهر تهران، در طول دهه های اخیر، دگرگونی های شگرفی را تجربه کرده اند. این دگرگونی ها، حاصل برخورد زبان های گوناگون معماری و فاصله گرفتن از ریشه های فرهنگی و محیطی، به چهره های چندپاره و گاه متناقض از شهر بخشیده اند. نماهای معماری، هم محصول تحولات شهری هستند و هم در شکل دهی به این تحولات نقش فعالی ایفا می کنند. در این میان، اینستاگرام به عنوان یک پلتفرم اجتماعی پرطرفدار، می تواند نقش مهمی در شکل دهی به آینده نماهای معماری تهران ایفا کند. با مدیریت بهینه این پلتفرم، می توان از آن به عنوان ابزاری برای ترویج

نوعی مینیمالیسم سلبی است که فقط قاعده زیبایی‌شناختی غربی را تقلید می‌کند. اگر قرار باشد طراحان یک خوانش ایرانی داشته باشند، باید اقلیم خشک تهران و هماهنگی با فرهنگ زیست ساکنان را هم در نظر بگیرند».

۳. نمونه گفته (کارشناس پنج): «لان در فرجام غربی می‌بینیم که مالکان به دنبال یکی کردن ظاهر ساختمان با اون چیزی هستن که روی پیچ‌های دکوراسیون یا عمران تو اینستاگرام ترند شده. این کار باعث می‌شه یه ساختمون نیمه‌قدیمی با یه متریل فوق‌مدرن، هیچ نسبتی با بافت اطرافش نداشته باشه».

فهرست منابع

- عامری صفات، علی اکبر. (۱۳۹۵). بررسی بازنگری معماری و شهرسازی ایران با رویکرد معماری سنتی (نمونه موردی کرمان). کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. <https://civilica.com/doc/1131642>
- مجابی، سید مهدی. (۱۳۸۶). ریخت‌شناسی معماری سنتی ایران. نشریه بین‌المللی مهندسی صنایع و مدیریت، ۱۸(۵)، ۵۵-۶۱. <https://short-link.me/147QO>
- Alaily-Mattar, N., Baptist, V., Legner, L., Arvanitakis, D., & Thierstein, A. (2024). Visuality peaks, function lasts: an empirical investigation into the performance of iconic architecture on Instagram. *Archnet-IJAR: International Journal of Architectural Research*, 19(2). <http://doi.org/10.1108/ARCH-020072-2024->
- Amiri, N. (2017). Investigation of the factors affecting the identity crisis in contemporary designs and architectural styles of Iran. *Journal of History Culture and Art Research*, 6(3), 1104-1117. <http://kutaksam.karabuk.edu.tr/index.php/ilk/article/download/982715/>
- Bedford, J. (2022). Instagram, indifference, and postcritique in US architectural discourse. In C. Voet, E. Schreurs, & H. Thomas (Eds.), *The hybrid practitioner: Building, teaching, researching architecture* (pp. 261-274). Leuven University Press. <https://doi.org/10.2307/j.ctv2vt0209.24>
- Castells, M. (2010). *The Rise of the Network Society*. Wiley-Blackwell. https://books.google.com/books/about/The_Rise_of_the_Network_Society.html?hl=fr&id=FihjywtjTdUC
- Chan, T. T. W., Lam, A. H. C., & Chiu, D. K. (2020). From Facebook to Instagram: Exploring user engagement in an academic library. *The Journal of Academic Librarianship*, 46(6), 102229. <http://doi.org/10.1016/j.acalib.2020.102229>
- Chaudhary, M. U. (2021). Impact of Instagram as a tool of Social Media Marketing. *Media and Communication Review*, 1(1), 17- 29. <http://dx.doi.org/10.32350/mcr.11.02>
- Cotter, K. (2019). Playing the visibility game: How digital influencers and algorithms negotiate influence on Instagram. *New Media & Society*, 21(4), 895- 913. <https://doi.org/10.1177/1461444818815684/>
- Cuevas-Molano, E., Matosas-López, L., & Bernal-Bravo, C.

طراحی‌هایی بهره برد که هم به ریشه‌های فرهنگی و تاریخی شهر احترام می‌گذارند و هم از نوآوری و خلاقیت معماران جوان بهره می‌برند. بدین ترتیب، اینستاگرام می‌تواند مسیری را برای بازآفرینی هویت معماری تهران و ایجاد یک هویت بصری منسجم برای شهر فراهم آورد. یکی از یافته‌های کلیدی این پژوهش، کشمکش میان جذابیت بصری و عمق مفهومی در نماهای معماری ساختمان‌های مسکونی تهران است. همان‌گونه که مطالعات موردی نشان می‌دهند، اولویت بخشی به جلوه‌های بصری بر محتوای مفهومی و زمینه‌ای، به تدریج حساسیت فرهنگی و محیطی را که زمانی در معماری ایرانی برجسته بود، تضعیف کرده است. نماهایی که یا به شدت تزئین شده و یا در مینیمالیسمی خنثی فرو رفته‌اند، بازتابی از تجاری‌سازی گسترده در طراحی معماری هستند؛ روندی که الگوریتم‌های اینستاگرام، با تأکید بر تعاملات آنی و محتوای بصری، آن را تشدید کرده‌اند. اگرچه این پژوهش بر چالش‌های ناشی از اولویت بخشی به ظاهر در طراحی نماهای معماری تهران تأکید دارد، اما این بدان معنا نیست که اینستاگرام صرفاً ابزاری برای ترویج سبک‌های سطحی و بی‌محتوا است. با بهره‌گیری از این پلتفرم، می‌توان آن را به ابزاری مفید و مؤثر برای ترویج طراحی‌هایی تبدیل کرد که هم به ریشه‌های فرهنگی و تاریخی شهر احترام می‌گذارند و هم با نیازهای معاصر و شرایط اقلیمی آن سازگار هستند. معماران می‌توانند با انتشار هدفمند محتوای باکیفیت و مرتبط با فرهنگ و محیط کلانشهر تهران، ترجیحات عمومی را به سمت طراحی‌هایی هدایت کنند که هم از نظر زیبایی‌شناسی جذاب باشند و هم از نظر مفهومی غنی. قابلیت‌های تعاملی اینستاگرام، امکان ایجاد گفت‌وگویی پویا بین معماران، شهروندان و سایر ذی‌نفعان را فراهم می‌آورد. این امر به دموکراتیزه شدن گفتمان معماری کمک می‌کند و به شهروندان این امکان را می‌دهد تا در شکل‌دهی به محیط زندگی خود مشارکت فعال داشته باشند. با توجه به گستره نفوذ و تعاملات بالای اینستاگرام، این پلتفرم می‌تواند به رسانه‌ای قدرتمند برای بازتعریف نماهای مسکونی تبدیل شود. نماهایی که نه تنها به عنوان عناصر فیزیکی، بلکه به عنوان حافظان خاطرات جمعی و نمادهای هویت شهری شناخته شوند.

اعلام عدم تعارض منافع

نویسندگان اعلام می‌کنند در انجام این پژوهش هیچ‌گونه تعارض منافی برای ایشان وجود نداشته است.

پی‌نوشت‌ها

۱. نمونه گفته (کارشناس سه): «بعضی از مالکان، بدون توجه به اقلیم و حتی تراز بصری محله، صرفاً به دنبال ظاهری هستند که در اینستاگرام وایرال شود. ستون‌های رومی و سرستون‌های تجملی در چنین محیطی خیلی سریع توجه می‌گیرد و سازندگان هم دنبالش می‌روند».
۲. نمونه گفته (کارشناس یک): «مینیمالیسمی که الان در نمای اقدسیه می‌بینیم،

(2021). Factors increasing consumer engagement of branded content in Instagram. *IEEE access*, 9, 143531- 143548. <http://dx.doi.org/10.1109/ACCESS.2021.3121186>

• Dayaratne, R. (2017). Towards a regionalist architecture in the age of globalization. *Journal of Sustainable Architecture and Civil Engineering*, 15(2), 89–105. <http://www.sace.ktu.lt/index.php/DAS/index>

• Dhanesh, G., Duthler, G., & Li, K. (2022). Social media engagement with organization-generated content: Role of visuals in enhancing public engagement with organizations on Facebook and Instagram. *Public Relations Review*, 48(2), 102174. <http://dx.doi.org/10.1016/j.pubrev.2022.102174>

• Dwijendra, N. K. A., & Yogantari, M. V. (2018). From manual to digital, the importance of social media in promoting the artwork of architectural design in disruption era. *4th ICIAP: Design and Planning in Disruptive Era, UGM Yogyakarta*. https://www.researchgate.net/publication/331231775_Proceeding_4_th_ICIAP_Design_and_Planning_in_Disruptive_Era_From_manual_to_digital_the_importance_of_social_media_in_promoting_the_artwork_of_architectural_design_in_disruption_era

• Frampton, K. (1983). Towards a critical regionalism: Six points for an architecture of resistance. In H. Foster (Ed.), *Postmodern culture* (pp. 16–30). Pluto Press. <https://modernindenvr.com/wp-content/uploads/201508/Frampton.pdf>

• Gillespie, T. (2018). *Custodians of the Internet: Platforms, Content Moderation, and the Hidden Decisions That Shape Social Media*. Yale University Press. <http://dx.doi.org/10.129879780300235029/>

• ICOMOS. (2020). *Guidelines for Education and Awareness in Cultural Heritage Preservation. International Council on Monuments and Sites*. Retrieved from <https://cif.icomos.org/my-first-guideline/>

• Iglesias-Sánchez, P. P., Correia, M. B., Jambrino-Maldonado, C., & de las Heras-Pedrosa, C. (2020). Instagram as a co-creation space for tourist destination image-building: Algarve and Costa del Sol case studies. *Sustainability*, 12(7), 2793. <https://doi.org/10.3390/su12072793>

• Izadpanah, S., & Gunce, K. (2021). Social media as a means of increasing non-designers' insight into interior design. *The Design Journal*, 24(4), 547- 566. <http://doi.org/10.1080/146069/25.2021.1912904>

• Khatami, S. M., & Boujari, P. (2022). Analyzing the heritage of Tehran's urban façades in the recent century. *City, Territory and Architecture*, 9(1). <https://doi.org/10.1186/s404101-00166-022->

• López-Chao, V., & Lopez-Pena, V. (2020). Aesthetical appeal and dissemination of architectural heritage photographs in instagram. *Buildings*, 10(12), 225. <https://doi.org/10.3390/buildings10120225>

• MacDowall, L., & Budge, K. (2021). *Art after Instagram: Art spaces, audiences, aesthetics*. Routledge.

• Madanipour, A. (2017). *Cities in Time: Temporary Urbanism and the Future of the City*. Bloomsbury. <http://doi.org/10.50409781350014275/>

• Manovich, L. (2017). *Instagram and Contemporary Image*. University of Minnesota Press. https://www.academia.edu/35501327/Instagram_and_Contemporary_Image

• Manovich, L. (2020). The aesthetic society: Or how I edit my Instagram 1. In P. Mörténböck & H. Mooshammer (Eds.), *Data publics* (pp. 192–212). Routledge. https://www.google.com/url?sa=t&source=web&rct=j&opi=89978449&url=https://manovich.net/content/04-projects/108-the-aesthetic-society/manovich.aesthetic-society.2019.pdf&ved=2ahUKEwjNnfXm8s2NAXWZg_0HHdD3BmsQFnoECBwQAQ&usg=AOvVaw2MFbBbx6CW7w4aLLOqyLcU

• Onanuga, P. A. (2022). Weaponising digital architecture: Queer Nigerian Instagram users and digital visual activism. In D. Woodman (Ed.), *LGBT+ communities—Creating spaces of identity*. IntechOpen. <https://doi.org/10.5772/intechopen.108760>

• Rapoport, A. (1969). *House Form and Culture*. Prentice-Hall.

• Savic, S. (2019). *Great New Design: How Do We Talk about Media Architecture in Social Media*. arXiv:1910.14395. <https://doi.org/10.48550/arXiv.1910.14395>

• Sklair, L. (2017). *The Icon Project: Architecture, Cities, and Capitalist Globalization*. Oxford University Press. https://books.google.com/books?id=Gr_XDQAAQBAJ&printsec=copyright#v=onepage&q&f=false

• Thampanichwat, C., Bunyarittikit, S., Moorapun, C., & Phaibulphuthipong, P. (2023). A content analysis of architectural atmosphere influencing mindfulness through the lens of Instagram. *Sustainability*, 15(13), 10063. <https://doi.org/10.3390/su151310063>

• Thomas, V. L., Chavez, M., Browne, E. N., & Minnis, A. M. (2020). Instagram as a tool for study engagement and community building among adolescents: A social media pilot study. *Digital Health*, 6, 2055207620904548. <https://doi.org/10.11772055207620904548/>

• UNESCO. (2011). *Recommendation on the Historic Urban Landscape*. UNESCO World Heritage Centre. Retrieved from <https://whc.unesco.org/document/160163>

• UNESCO. (2021). *Convention Concerning the Protection of the World Cultural and Natural Heritage: Urban Historic Landscapes Initiative*. UNESCO World Heritage Centre. <https://whc.unesco.org/en/conventioncontext/>

• Vastardis, N. & Yang, X. (2022). Visual Storytelling in the Age of Instagram: Implications for Urban Architecture and

Design. *New Media & Society*, 24(5), 954–970. <http://dx.doi.org/10.204310381.0710015-2349/>

• Wagiri, F., Wijaya, D. C., & Sitindjak, R. H. I. (2024). Embodied spaces in digital times: Exploring the role of Instagram in shaping temporal dimensions and perceptions of architecture. *Architecture*, 4(4), 948– 973. <https://doi.org/10.3390/architecture4040050>

• Wissen, S., & Anatan, L. (2023). The influence of customer inspiration on social media marketing toward architectural service purchase intention. *Journal Manajemen Dan Kewirausahaan*, 25(1), 13– 24. <https://doi.org/10.9744/jmk.25.1.1324->

• Zuboff, S. (2019). *The Age of Surveillance Capitalism*. PublicAffairs.



COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

علیرضایی، مهدی؛ دباغ، امیر مسعود و منصوری، بهروز. (۱۴۰۴). اینستاگرام و هویت ازدست‌رفته: مطالعه‌ای بر نمای بناهای مسکونی تهران (مطالعه موردی: محلات هروی، اقدسیه و فرجام غربی). *باغ نظر*, ۲۲ (۱۴۵), ۵۱–۶۶.

DOI: DOI: [10.22034/BAGH.2025.497926.5735](https://doi.org/10.22034/BAGH.2025.497926.5735)

URL: https://www.bagh-sj.com/article_221756.html

